

تعیین الگوهای مشترک اجتناب در میان ۵ زن محروم از طریق واکاوی موضوع در

مصاحبه عمیق (بدون ساختار): مطالعه موردی

سیدمحمد زاهدعلوی^۱، *دکتر سوسن آقاچان بگلو^۲، دکتر محمدرضا بحرانی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه پیام نور مرکز بوشهر، بوشهر، ایران

۲- *استادیار، دانشگاه پیام نور مرکز بوشهر، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول)

۳- استادیار، دانشگاه پیام نور مرکز بوشهر، بوشهر، ایران

چکیده

محرومیت پدیده ای چند بعدی و اشاره به ابعاد سیاسی، جغرافیایی، اعتقادی، روان شناختی و ... مختلفی دارد که برای تغییر وضعیت محرومان باید به مجموعه این شرایط توجه شود. لذا با توجه به اهمیت موضوع این پژوهش با هدف ارایه الگوهای مشترک اجتناب در میان ۵ زن محروم از طریق واکاوی موضوع در مصاحبه عمیق (بدون ساختار) در قالب یک مطالعه موردی و به صورت کیفی انجام گرفته است. این پژوهش مطالعه موردی از طریق برگزاری مصاحبه عمیق یا مصاحبه بدون ساختار انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق نیز شامل زنان بزرگسال (سن ۲۳ تا ۵۰ سال) در مناطق محروم شهر شیراز بود در بازه زمانی پاییز ۹۷ تا پایان اردیبهشت ۹۸ بود که به شیوه نمونه گیری هدفمند و پس از کسب رضایت از نمونه ها انجام شد. نمونه ها از مراجعان دو سال گذشته به مراکز جامع سلامت در دو منطقه پر تجمع محروم شیراز (سعدی و سهل آباد) و همچنین سازمان های مردم نهاد خیریه فعال در این دو منطقه محروم انتخاب شدند. مصاحبه اولیه ابتدا با ۱۰ نفر انجام و سپس از میان این ۱۰ نفر ۵ نفر به عنوان گروه مورد بررسی انتخاب شدند. مصاحبه نیز به شیوه مصاحبه عمیق هم با کمک پرسش های باز و هم با کمک پرسشهای هدایت شونده، صورت پذیرفت. تعداد جلسات مصاحبه با هر یک از موارد، بین ۵ تا ۱۰ جلسه و تا زمانی که داده جدیدی یافت نمی شد ادامه می یافت. مدت زمان هر جلسه مصاحبه ۷۵ دقیقه بود. تمام جلسه های مصاحبه پس از کسب رضایت مصاحبه شونده، ضبط گردید. اطلاعات ضبط شده نیز پیاده سازی گردید. الگوهایی از مفهوم اجتناب تجربه ای بر اساس منابع پژوهشی انتخاب گردید. متون پیاده شده، با این الگوها کد گذاری شد و به نرم افزار آماری طراحی شده توسط پژوهش گر داده شد. یافته ها نشان داد، الگوهای مشترکی از اجتناب در میان ۵ زن مورد پژوهش قرار گرفته دیده می شود. الگوهای «اجتناب و تبدیل فکر/ احساس به درد عصبی» و «اجتناب از فشار عصبی» بیشترین فراوانی را در میان الگوهای اجتناب روان شناختی داشتند. موارد مورد مطالعه در این پژوهش همگی برای تغییر شرایط خود به عنوان یک محروم نیازمند تغییر در الگوهای مشترکی از آسیب روان شناختی که آنها وجود داشت، بودند. این پژوهش لزوم توجه به وجوه روان شناختی مساله فقر در مبارزه با آن را پر رنگ و آشکار می کند و کنشگران اجتماعی در حوزه محرومان را به ایجاد تغییر در وضعیت روان شناختی محرومان به عنوان درجه های برای خروج افراد از محرومیت دعوت می کند.

کلیدواژه ها: درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT)، فقر، انعطاف پذیری روان شناختی، پذیرش، اجتناب تجربه ای